

Lektion 15

از اورشلیم تا کلیسای ملی

دو هزار سال پیش گروهی از مردم شاهد موضوعی غیر قابل درک شدند. آنها دیدند که عیسی مسیح از میان مردمگان برخواست. از آن زمان به بعد پیام مسیح در همه جهان پخش شده است. تاریخ بسیار هیجان انگیز کلیسا به همین دلیل به وجود آمد. یک کلیسای مسیحی بودن به چه معنا است؟ پیام مسیح چگونه به گوش ما در دانمارک رسیده است؟ چرا کلیساهای متفاوتی وجود دارد، وقتی که ما همه به یک دین اعتقاد داریم؟ چرا تاریخ کلیسا برای ما مهم است؟

یک فرد مسیحی، جزئی از یک سنتی طولانیست، و این از ارزش والائی دارد. جزئی از پیوندی بزرگتر بودن بسیار ارزشمند است. مسیحیت از اورشلیم منشا می‌گیرد، و از آنجا به تمام دنیا منتشر شده است. مسیحیت تکامل یافته است و تحت تاثیر زمان و فرهنگ‌های متفاوت که در برخورد با آن بوده، قرار گرفته است. پیام مسیح به طور مداوم در هر زمان، با زمان معاصر وفق داده شده است.

جزئی از یک سنت بودن، به این معنیست که شخص تنها نیست. چیزی و کسی هست که پیش از خود شخص برای او کار کرده است. همچنین اینکه مذهب مسیحیت، در طول سالها بر روی سنت و فرهنگ گسترشده ای پایه ریزی شده، و خود ضمیمه برای فرهنگ‌های دیگر است. شناخت تاریخ مسیحیت بسیار مهم است، چرا که این شناخت ما را بخشی از یک پیوند کرده و همزمان ما را قادر به فهم روابط کلیسا می‌کند.

درک ما از کلیسا

اکلیسا

کلمه کلیسا از کلمه یونانی *ekklesia* ریشه می‌گیرد - که در کتب عصر جدید، به کلیسا و همینطور اجتماع مردم ترجمه می‌شود. جایی که مردم با عنوان پیوند با خداوند، گرد هم جمع می‌گردند. اجتماع خداوند / اجتماع مردم درک دیگریست از کلمه کلیسا. در جای دیگر از کتاب عصر جدید نوشته شده که کلمه کلیسا از *kuriakos* ریشه می‌گیرد، که به معنی، آنچه متعلق به خداوند است، در اینجا کلمه کلیسا، مفهومی وسیع تر را می‌پوشاند. هیچیک از مفاهیم *ekklesia* و *kuriakos* به خود ساختمان اشاره نمی‌کنند.

در انجیل درک از کلیسا فقط اجتماعی از انسان‌ها است. در انجیل تصاویر دیگری به چشم می‌خورند که غیر از واژه *kuriakos* و *ekklesia*، این تصاویر نشان دهنده دیدگاه انجیل از کلیساست. به طور مثال: نمک خاک، متی.

۱۳.۵، نور جهان، متی.۱۴، ۵، گوسفند مسیح، یوحنا.۱۰.۱۴، شاخه‌های درخت تاک، یوحنا.۱۵.۵، بدن عیسی، اول قرنیان.۱۲.۲۷، معشوق عیسی، افسسیان.۵، ۲۵ تا ۳۲، سنگ‌های زنده، اول پطرس.۹.۲.

این همه تصاویری که از کلیسا در انجیل تشریح شده، شاهد زنده بودن کلیساست، چرا که به خود ساختمان کلیسا اشاره ندارد، بلکه به سنگ‌های زنده و انسان‌های که در کلیسا حضور دارند، اشاره می‌کنند! کلیسا بدن عیسی، شاخه‌های درخت تاک است. ولی در فرهنگ امروز، کلیسا معنای دیگری نیز دارد. کلیسا را میتوان به این صورت درک کرد:

- انسانها: همه کسانی که به مسیح اعتقاد دارند.
- مؤسسه: شاخه‌ای مذهبی مسیحیت، مثلاً کلیسای انگلی لوتری در دانمارک، که کلیسای ملی نیز خوانده می‌شوند، یا کلیسای کاتولیکی و غیره.
- بنا: ساختمانی که ما را در هنگام مراسم ستایش در خود جای میدهد.

سال ۲۰۰۰: کلیساهای اولیه

انجیل در مورد کلیسا بودن چه می‌گوید؟ اگر به قرون اولیه موجودیت کلیسا نظری بیندازیم، در نامه‌های موجود در کتاب عصر جدید و اعمال رسولان تصاویر زیادی خواهیم یافت، که کلیسا را توصیف می‌کنند، و به طور دقیق درباره

چگونگی پیدایش آن و آنچه مسیحیان اولیه انجام دادند، مینویسند. موضوع خیلی از نامه‌ها، مشکلاتی است که کلیسا با آن درگیر بوده است.

مشکلات

کلیساها اولیه مشکلات و ملاحظات بسیاری داشتند. اینکه چه انتظاراتی از کلیسا میرفت، و کلیسا بودن به چه معنی بود؟ چه چیزی نمایانگر موجودیت یک کلیسا است، چه مشکلاتی بعده کلیسا گذاشته شده؛ مثلاً مشکلات مربوط به الهیات و بحث پیرامون آن. چگونه میبایست موقعه عیسی را درک کرد؟ چگونه باید مرگ و رستاخیز او را فهمید؟ داستان‌هایی که در مورد عیسی گفته شده و دهان به دهان گشت - حالا بایستی کلیسا را بر پایه آن بنا کرد.

در اعمال رسولان و نامه‌ها میتوانیم اطلاعاتی در مورد اینکه چگونه کلیساها کوچک خانگی، همانگونه که در ابتدا بود، به مرور زمان تکامل یافتد و به کلیساها حقیقی تبدیل شدند.

دو متن زیر از انجلیل، ابعادی از عملکرد کلیساها اولیه را روشن می‌کند:
اعمال رسولان ۴، ۳۲ تا ۳۷:

- در اینجا گفته میشود که در ابتدا مردم در اجتماعات زندگی میکردند، و با هم همه چیز را بطور اشتراک داشتند.

اعمال رسولان ۲، ۴۲ تا ۴۷:

- در اینجا اجتماع عشای ربانی یا وعده غذایی عشق که در آن زمان با این نام خوانده میشد، توصیف شده. مسیحیان هر پنجه‌نشیبه با یکدیگر ملاقات میکردند و مراسم عبادت می‌گرفتند، و هنگام غروب برای وعده غذایی محبت دور هم جمع می‌شدند. این وعده غذایی دسته جمعی تا حدود سده چهارم میلادی به بخشی یکپارچه و متحد با مراسم عبادت تکامل یافت، و به مرور زمان بیشتر از یک وعده غذایی واقعی، جنبه سمبولیک داشت. غسل تعمید در آن زمان معیار ورودی بود، دقیقاً همانطور که در حال حاضر است.

ماهی

در قرن‌های ابتدایی، سالهای دشواری برای مسیحیت وجود داشت، زیرا مسیحیان مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند. مسیحیت مانند فرقه عجیبی از یهودیت دیده میشد - "چه کسی میتوانست علاقه‌مند به مذهبی باشد که قهرمان آن، خود به صلیب کشیده شد؟" ایمان داشتن به خداوندی، که خود مصلوب شده بود، رقت آور بود. غالباً مسیحیان مجبور به پنهان کردن خود در هنگام مراسم عبادت بودند. به همین دلیل مسیحیان نشانه ای مخفی داشتند که از آن هنگامی که ملاقات میکردند، استفاده میکردند: ماهی!

ماهی نشانه مخفی مسیحیان شد، و دلیل آن این بود که، پنج حرفی که کلمه ماهی را به زبان یونانی را شکل میدهند، IXTYS، حروف اول: عیسی، مسیح، پسر خداوند و منجی را شکل میدهند - سازمان‌های مسیحی بسیاری امروزه ماهی را به عنوان مارک خود استفاده میکنند، به طور مثال سازمان امداد نیازمندان کلیسای ملی دانمارک. استفاده از ماهی غالباً در هنر مسیحی دیده میشود، و بعضی مسیحیان از ماهی به عنوان علام شناسائی در عقب اتومبیل خود استفاده میکنند.

سال ۲۰۰-۴۰۰: از کلیسای خانگی تا کلیسای حکومتی

در سالهای بین ۴۰۰-۲۰۰ کلیسا سالهای سختی را داشت، ولی در این دوره کلیسا توسعه بزرگی را نیز تجربه کرد. با وجود تعقیب‌های سخت، مسیحیت با سرعت برق و باد گسترش یافت. در سال ۲۵۰، ۲ میلیون نفر مسیحی وجود داشت، ولی در سال ۳۰۰، ۹ تا ۱۲ میلیون مسیحی وجود داشت! این موفقیت بزرگ تا حدودی به این دلیل بود که بسیاری گرایش به پرستش خداوندی یکتا داشتند، که یکتا پرستی نیز خوانده میشود، و تا حدودی به این دلیل که مسیحیت آرمان‌های اخلاقی بسیار متعالی درباره اینکه باید با یکدیگر درست رفتار کنیم، در بر داشت، و اینکه مسیحیت در همان ابتدا تاکید زیا دی بر ارزش‌های اجتماعی داشت - این قضیه هم در مورد نگرش نسبت به زنان و هم فقیران اعمال میشد. و دقیقاً میان فقیران طبقه کارگر بود که مسیحیت گسترش یافت.

شورای کلیسایی (جلسات کلیسایی)

به طور حتم این گسترش سریع مسیحیت سوالاتی را با خود به همراه داشت: " چه چیزی دقیقاً مشخصه ما به عنوانی یک مسیحی است؟" ، "شرط مسیحی بودن چیست؟" ، "نکته مهوری ایمان ما چیست؟" به همین دلیل وجود جلسات کلیسایی خیلی ضروری و مهم احساس شد. نه تنها در قرون اول، بلکه از آن زمان تا به حال. در جلسات کلیسایی سوالات مهم مذهبی، به منظور توافق در مورد اصول مسیحیت، مورد بحث قرار میگرفت.

در زیر مروری بر مهمترین شوراهای کلیسایی میشود:

سال ۴۸. شورای اورشلیم

در طول شورای اورشلیم، که اولین شورای کلیسایی بود، در مورد اینکه چه کسی میتواند مسیحی شود، اختلاف نظر وجود داشت - تعداد زیادی معتقد بودند که انسان باید برای مسیحی شدن در ابتدا یهودی میبود. ولی بعد از جلسه توافق کردند که این موقعیت باید به دیگر امت ها نیز داده شود - یعنی غیر یهودیان. این تصمیم مهمی بود، چرا که این بدین معناست که مسیحیت از همان آغاز متعلق به همه و نه فقط متعلق به برگزیدگان خاص است.

این دقیقاً چیزی بود که مسیح در گفتار و کردار خود، بر روی زمین ، نشان میداد.

سال ۳۱۳. مسیحیت اجازه موجودیت در کنار دیگر ادیان را یافت

در سال ۳۱۳ امپراطور کنستانتین تصمیم گرفت که باید در امپراتوری روم آزادی ادیان وجود داشته باشد، نتیجه تصمیم این شد که مسیحیت بیشتر و بیشتر پذیرفته شد.

حاصل این شد که امپراطور تئودوس در سال ۳۸۱ مسیحیت را دین رسمی حکومت و تنها دین مجاز خواند.

سال ۳۲۵. شورای نیقیه. تمرکز بر ضرورت اعتقاد نامه

در طول شورای نیقیه از جمله هم انسان و هم خداوند بودن عیسی مسیح به طور همزمان مورد بحث قرار گرفت. بعضی گروه‌ها عقیده داشتند که عیسی آنقدر خداگونه بود، که جایی برای بشریت وجود نداشت. بعضی دیگر عقیده داشتند که دقیقاً انسان شدن عیسی مسیح، نکته محوری در مسیحیت بود.

این گروه را از کلیسا بیرون انداختند، چرا که تفسیر آنان از مسیحیت در تضاد با تفسیر مصوب میشد - آن‌ها را بعدت گزاران نامیدند.

نتیجه شورای سال ۳۲۵ این بود، که به طور جدی بر ضرورت اعتقاد نامه تمرکز شد.

دلیل وجود اعتقاد نامه این بود که میخواستند با جزئیات شرح دهنده که به نکاتی اعتقاد داشتند، همچنین مرز آنچه به آن اعتقاد نداشتند را مشخص کنند. به همین دلیل نیقیه نوشته و اتخاذ شد - اصول اعتقاداتی که هنوز در حال حاضر در کلیسای ملی دانمارک وجود دارد، و به وضوح نشان میدهد چه اختلافاتی در حین وقوع این شورا وجود داشته است. گزیده‌ای از نیقیه:

و به سرور ما عیسی مسیح، پسر یگانه خداوند، که از خداوند در آغاز زمان‌ها متولد شده، خدا از خدا، نور از نور، خدای حقیقی از خدای حقیقی، متولد شده نه خلق شده، هم ذات با خداوند پدر ...

اصول اعتقادات تأکید میکنند که عیسی مسیح متولد شده و مخلوق نیست. به این معنی که عیسی مسیح بخشی از ذات خداوند است - هم ذات با خداوند پدر. عیسی مخلوق خداوند نیست، چرا که او خود خداوند و به همین دلیل خالق و زندگی بخش است.

اعتقاد نامه رسولان، که اعتقاد نامه‌ای که در بیشتر کلیساها دانمارک استفاده میشود، مدت زمان کوتاهی بعد از نیقیه آمد. امید بود، که این اعتقاد نامه قادر به برقرار کردن آرامش مورد نیاز در کلیساها مسیحی باشد؛ آرامشی که نیقیه قادر به برقرار کردن آن نبود، چرا که نیقیه بیشتر در مخالفت با نگارش‌های مطلق و با تمایلات برندۀ نوشته شده بود. نیاز به اعتقاد نامه‌ای وجود داشت که همه بر سر آن با هم به توافق میرسیدند و اعتقاد نامه‌ای که به وضوح مسیحیت را مرزبندی و تعریف میکرد.

تلاش شد که در اعتقاد نامه جایی برای شاخه‌های متفاوت، و فراوان که به مرور زمان بر درخت قدیمی کلیسا پدیدار شدند، باشد و آنها اجازه خلق مسیحیت منطبق در چهارچوب خود داشته باشند.

سال ۱۰۵۴ - ۴۵۱: تفرقه‌ها ادامه می‌پابند

همانطور که پیشتر ذکر شد، در طول شوراهای کلیسايی بحث‌های زیادی در جریان بود. بخصوص سوال‌ها و مشکلات مذهبی به طور جدی باعث به وجود آمدن تفرقه می‌شد. در سال ۴۵۱ تفرقه‌ای بین دنیای مسیحی شرق و دنیای مسیحی غرب بوجود آمد، عمدتاً به دلیل اختلاف در مورد اینکه عیسی تا چه اندازه انسان و تا چه اندازه خدا بود.

این شکاف به طور جدی در سال ۱۰۵۴ به اوج خود رسید، وقتی که کلیسای کاتولیک روم در غرب و کلیسای ارتدوکس در شرق یکدیگر را طرد کردند (که در واقع به این معنی بود که هرکدام دیگری را مسیحی واقعی بحساب نمی‌اورند). این تفرقه آنقدر شدت یافت، که این دو کلیسا بعد از مدت زمانی طولانی، برای اولین بار در سال ۱۹۶۴ دوباره شروع به صحبت با یکدیگر کردند! دلیل این تفرقه، مباحثه‌ای مذهبی در مورد ماهیت عیسی و همنظر پرسش در مورد جایگاه روح القدس در ارتباط با خداوند پدر و پسر بود.

کلیسای غربی معتقد است که روح القدس از خداوند پدر و پسر مستقل است، کلیسای شرقی معتقد است که، روح القدس فقط از خداوند پدر مستقل است. اختلافات مذهبی بزرگ بودند و این اختلافات همراه با کشمکش‌های سیاسی دلیل نابودی وحدت شدند.

گزیده‌ای از نیقیه:

به روح القدس، که خداوند است، و زندگی می‌بخشد، و از خداوند پدر و پسر مستقل است
سال ۹۰۰ - ۷۰۰: مسیحیت وارد دانمارک می‌شود

در سال ۷۰۰ مسیحیت برای اولین بار همراه با راهب ویلبرد وارد دانمارک شد. که در تلاش اول موفقیت حاصل نشد. ۱۵۰ سال بعد راهب انسگر آمد - کسی که از آن پس نماینده مسیح در شمال خوانده شد. گرچه او موقیتی بزرگی در دانمارک به دست نیاورد و وادار به فرار به سوئد شد، جایی که او اولین کلیسای شمالی را تأسیس کرد. در قرن بعدی مسیحیت خیلی به آهستگی به دانمارک گشترش یافت و وقتی "هارالد دندان آبی" در حدود سال ۹۵۰ غسل تعمید گرفت، قادر به عبور از موانع شد.

در قرون بعدی کشمکش‌های زیادی بر سر قدرت بین حکومت و کلیسا بوجود آمد، کلیسا تحت تأثیر کشمکش‌های داخلی و خارجی، همچنین جنگ‌ها، فسادها و سیاست قرار گرفت.